

هوشنگ جاوید، پژوهشگر موسیقی از جایگاه و کارکرد موسیقی در شاهنامه می گوید

نقش سازها در منظر فردوسی



● شاهنامه اثری پژوهشی‌که در آن به موسیقی هم توجه شده است

فردوسی، شاهنامه را براساس پژوهش، آن هم پژوهشی مفصل و دقیق انجام داده که خودش هم به این نکته اشاره کرده است. علاوه بر کتاب های باقی مانده از پیش از اسلام، او سراغ افراد مختلف از جمله طبقه دهقان می رود که تنها او هر داستانی که شخصی از گذشته ایران در یاد داشته و می شنیده جمع آوری کرده است. جالب این است که حتی از خدمتکارش هم داستانی را در شاهنامه آورده است. او، زنی است که فردوسی «مهربان» می نامدش که البته بعضی ها معتقدند همسر فردوسی بوده است. فردوسی داستان بیژن و منیژه را از زبان این زن می شنود که ماجرای آن را در شاهنامه آورده است. در مجموع بسیاری از افراد به او کمک کرده بودند و او توانسته بود از زوی نوشته ها و آنچه شفاهی به دست می آورد شاهنامه را بنویسد. بنابراین شاهنامه براساس پژوهشی کامل که حداقل دو دهه طول کشیده به انجام رسیده است، نکته ای که کمتر به آن توجه شده است. فردوسی عمر و جوانی خودش را می گذارد برای پژوهش در فرهنگ ایران و بعد آن را به صورت مکتوب درمی آورد. هر چند مورد حمایت جدی قرار نمی گیرد اما مردم بعدا هم می فهمند که این اثر چیست و از آن استفاده می کنند. فردوسی در همین اثری که از راه پژوهش به دست آمده به همه جنبه ها نگاه کرده است و یکی از این جنبه ها موسیقی است. فردوسی در شاهنامه از بعضی ادوات موسیقی نام می برد. نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که وقتی می گوید «ساز» منظورش وسیله ای از ادوات موسیقی است که کوک شده است، نه کوک شونده. مانند نی، نی را وقتی می سازند کوک است. از آن آلانی که کوک شونده هستند با نام «رود» یاد می کنند. متأسفانه همه این را اشتباه کرده اند و تا الان هم درست نکرده اند. بنابراین هر چیزی که کوک می شود «رود» است. فردوسی همچنین جایگاه به کارگیری سازها و رودها را نیز به دقت می گوید. اگر می گوید کوس، یا کرنا یا نای، یا سورنا، یا چنگ یا ... جایگاه استفاده شان را هم می گوید. همچنین جایگاه و مرتبه انواع نوازندگان و موسیقی دانان را مشخص می کند و می گوید خنیاگر کیست و رامشگر چه کسی.

● خنیاگر، موسیقی دانان وزین تر و رسمی تر

در ایران باستان عده ای داریم به نام خنیاگر. خنیاگر در زبان پهلوی «هو-نیا-گر» یا «هو-نیاک-گر» است. یعنی کسی که آوازهای خوب می خواند یا نوا ی خوش سر می دهد. این واژه بعد ها در فراگشت لغوی تبدیل می شود به خنیاگر. مری بویس [پژوهشگر در رشته مطالعات زرتشتی] به خنیاگران دوره ماد، مخصوصا به خنیاگری به نام «آنگارس» اشاره می کند که خنیاگر بزرگ این دوره است. جالب است که آن طور که مشخص است، در آن دوره خنیاگر پیش بینی هم می کردند. همین آنگارس است که زاده شدن کوروش را به استیگ [آخرین پادشاه ماد] خبر می دهد. جازر هم در کتاب «تاج» اش به این موضوع اشاره می کند. خنیاگران آیین های خاص را اجرا می کردند. آن ها هنرمندان سنگین تر و زین تر ی هستند. فردوسی حتی به نمونه ای از مراسم خنیاگری هم به دقت اشاره می کند. برای مثال داستان بهرام گور و زمانی که پادشاه به خانه آسیابان می رود، دختران آسیابان می نشینند که برای بهرام گور اجرا کنند، اول با ستایش خداوند آغاز می کنند، بعد پدر خودشان را ستایش می کنند، بعد در ستایش میهمانی که آمده اجرا می کنند و دست آخر باز شکر خدا را می گویند. جالب این است که وقتی ستایش بهرام را انجام می دهند از او می پرسند چه می خواهی که برایت بخواینم، و بهرام درخواست ترانه های «خسروانی سرود» می کند و آن ها هم اجرا می کنند. خسروانی سرود ها یا پهلوانی سرود ها، حکایت رزم پهلوانان در گذشته بود که به ساز آمده بود. این ها هم قصه را تعریف می کردند و هم



که چهره زن های جادو و هر دو قصه عوض می شود و قهرمانان متوجه می شوند این ها جادوگر هستند و نمایند شیطا ن و گردنشان را می زنند. یعنی فردوسی دارد به ما می گوید یک سری سازها جایگاهی خاص داشتند. در یافته های باستان شناسی مَهری پیدا شده مربوط به ۷۰۶ هزار سال پیش که در آن یکی دارد تنبور می نوازد، یکی آرامش است. در پندنامه بو ربوت کیستان که به زبان پهلوی هم باقی مانده، اشاره شده که باید سه یک روز به مدرسه رفتن و خرد پاکان پرسیدن بگذرد. سه یک روز و سه یک شب به وزز و آبادانی بگذرد و سه یک روز و سه یک شب به خوردن و رامش و آسایش کردن بگذرد. این قانون ایرانی بوده در مورد رامش کردن یا آرامش پیدا کردن. رامشگر یعنی کسی که آرامش ایجاد می کند. ترکیبی مانند زرگر یا دروگر یا مسگر که الان استفاده می کنیم. می بینیم که هر جانا م رامشگران می آید. ترکیب سازهایشان و شکل لباس هایشان هم می آید. سازهایی مانند بربط، چنگ، نای، دف و ... را اسم می برد. ولی هیچ وقت از کرنا و این ها اسم نمی برد چون کارکرد این ها مربوط به میدان جنگ بوده است. رامشگران همه جا بودند و نقشی عمومی داشتند. در ایران آیینی به نام رامش داشتیم و هر خانه ای که دستش می رسید باید این کار را انجام می داد. بنا به اعتقاد نشان آیین و مراسمی برای روز آخرالزمان یا روز پایان جهان یا «فرشکرد» داشتند. در آیین حتما باید گل نرگس به عنوان نمادی از آخرالزمان وجود می داشته و رامشگران را دعوت می کردند بیایند آنجا آیین رامشی برگزار کنند. در واقع همان طور که ما امروز برای آرامش پیدا کردن از وسایل صوتی و تصویری استفاده می کنیم، ایرانیان باستان برای آرامش پیدا کردن از موسیقی رامشگران استفاده می کردند و براساس باورهای ایمانی با حضور این دسته، لحظات شادی را می گذراندند. به قول معروف اهل خانه برای چند وقتی روحیه شان عوض می شد. بنابراین، موسیقی و رامشگران در ایران جایگاه مهمی داشته اند. دلیل وارد کردن نوازنده از هند به ایران در دوره بهرام گور همین است، پس از مشکلات اجتماعی و اقتصادی رامشگران و خنیاگران

کمیاب می شوند و نرخشان بالا می رود که برای همین مردم قدیم اعتراض می کنند و بهرام گور هم به شنگل پادشاه هند نامه می نویسد و از او درخواست می کند شماری نوازنده به ایران بفرستد. لوربان هند از اینجا وارد ایران می شوند. البته آمار دقیقی از تعداد آن ها نداریم. چون فردوسی یک آمار می دهد. نظامی یک آمار می دهد و نویسندگان دیگر آمار دیگری می دهند. اما به هر حال وارد می شوند و اتفاقاتی هم در موسیقی ایران می افتد.

● چامه سرایان و چامه گوینان

عده ای دیگر «چامه سرا» و «چامه گو» بودند. چامه سرا آوازخوان بوده و شعری را به آواز می خوانده. چامه گوی یعنی کسی که هم شعر است، هم تصنیف ساز است. هم خودش می می خواند. چامه سرایی در ایران بیشتر در بین زن ها رسم بوده همین طور که الان هم باقی مانده و برای بیچه هایشان بداهه شعر و لالایی می خوانند که فردوسی به این هم اشاره می کند.

مردم در طول تاریخ جایگاه سازها را نگاه داشته اند همان طور که اشاره شد. فردوسی جایگاه سازها و نقش و کارکرد آن ها را هم به دقت می گوید. برای نمونه معرفی تنبور خودش داستان عجیبی دارد. در خان چهارم رستم و خان چهارم اسفندیار، این قهرمانان شاهنامه تنبور برمی دارند. فردوسی می گوید وقتی این دو قهرمان که دلتنگ و خسته هم هستند در وسط بیابان با سفره جادو و روبه رو می شوند، تنبور را برمی دارند و شروع می کنند با ساز زدن نیایش خدا را کردن و همین جاست

تربت جام و قوچان شاهنامه خوانی با دوتار انجام می شده است. اما کار هر کسی نیست. برای اینکه آن نوازندگان آمیختگی کار را در نظر می گرفتند و دقیقا مانند نقال ها طومار نقل برای خودشان داشتند. آن ها براساس کار نقال ها قصه را بیان می کنند و در واقع بین کار از موسیقی استفاده ابزاری می کنند برای اینکه فواصل زیبا و لطیف ایجاد کنند. همه آن نسلی که به مسئله پی برده بودند و با آواز و دوتار اجرا می کردند، دیگر در بین ما نیستند. نوازندگان دوتاری که امروز مانده اند از پس کار برنمی آیند. چون اول صدای خوش می خواهد و بعد هم دقیق بدانیم چه قسمتی را باید با ساز بخوانیم. نقل ما جرایک چیز است. بیان شعری ما جرایک چیز است. درک مفاهیم درونی واژگان شاهنامه هم چیزی است که به این سادگی ممکن نیست.

● زورخانه ها، تنها جایی که شاهنامه در آن به درستی

موسیقایی شد تنها جایی که ایرانی ها توانسته بودند شاهنامه را به درستی موسیقایی کنند در زورخانه ها و با ضرب مرشد ها بود. ایرانی ها در گذشته توبی زورخانه ها و با ضرب مرشد شاهنامه خوانی می کردند. این قصه تا قبل از انقلاب هم بود که تمام مرشدان زورخانه ها وقتی که ضرب گیری می کردند در جاهای مختلف شاهنامه می خواندند برای اینکه ورزشکاران روحیه قهرمانی و پهلوانی پیدا کنند. بعد از انقلاب جریاناتی پدید آمد و نگاه درستی به شاهنامه نمی شد و حتی اجازه چاپ شاهنامه نمی دادند تا اینکه رهبر انقلاب، آیت ا... خامنه ای با دفاعی که از فردوسی کرد، این جریان شاهنامه و فردوسی که در قرار گرفت. از آنجا به بعد نظر بعضی ها عوض شد. دستگاه های فرهنگی شروع کردند به سمت شاهنامه رفتن و دفاع از شاهنامه تا به امروز در آن دهه اول بعد از انقلاب چون شاهنامه خوانی از بین رفت شعری ها مناقب علوی و این ها را گنجانند و شاهنامه نمی خوانند.

البته چند سالی است که در بعضی از زورخانه ها مرشدان شاهنامه خوانی را هم در کنار مناقب خوانی انجام می دهند. غیر از زورخانه ها، حتی ارکسترال هایی که انجام شده نتوانسته حق کامل شاهنامه را آن طوری که باید و شاید ادا و روح و جلوه اصلی آن را بیان کند. شاهنامه جای این را دارد که سمفونی اپرایی بشود، اما مسئله اینجاست که حمایت جدی می خواهد. چنان که تاجیکستانی ها این کار را ۷۰،۶۰۰ سال پیش در فیلم «رستم و سهراب» یا «سیاوش و سودابه» انجام دادند و سمفونی ساختند. البته یکی دو حرکت از سوی دو سه موسیقی دان مانند لوریس چکناکاریان هم انجام شد که آن طور که باید و شاید موفقیتی به دست نیآورد. امیدوارم آهنگ سازان ما بتوانند با تمام امکاناتی که در اختیار دارند یک حرکت خوب برای شاهنامه انجام دهند تا شاهنامه را با بیان موسیقایی به جهان بهتر بشناسانیم. مخصوصا ایجاد اپراهای بزرگ و سمفونی های درست که حمایت جدی می خواهد. کاری که با هزینه کم شدنی نیست.

● باید در ستایش خود فردوسی آثار موسیقایی ساخته شود

یک آرزو دارم و آن اینکه یکی دو تا از گروه های موسیقی ما بتوانند حداقل دو ترانه راجع به خود فردوسی بسازند. همچنین چیزی داریم. برای حافظ و سعدی ساخته اند اما برای فردوسی هیچ نگاهی نبوده و هیچ کاری نکرده اند. کاش یکی دو اثر در ستایش خود فردوسی و کاری که انجام داده ساخته شود. این ماندگار می شود. در خود خوانی ما این همه آهنگ ساز و نوازنده و شاعر و ترانه سرا داریم، هیچ کدام یک کار برای خود فردوسی نساخته اند و این خیلی بد است. در سرزمینی زندگی کنی که یک بزرگی زبان فارسی را زنده نگاه داشته، اماری خود این آدم نتوانسته اند یک ترانه درست بسازند.

● می نواختند. می بینیم که فردوسی در این داستان می گوید که خنیاگران چگونه برای میهمان اجرا می کردند.

● رامشگران، آرامش دهندگان جامعه

عده دیگری از موسیقی دانان و نوازندگان رامشگران بودند. «رامش» به معنای خوشی و خوش حالی و آرامش است. در پندنامه بو ربوت کیستان که به زبان پهلوی هم باقی مانده، اشاره شده که باید سه یک روز به مدرسه رفتن و خرد پاکان پرسیدن بگذرد. سه یک روز و سه یک شب به وزز و آبادانی بگذرد و سه یک روز و سه یک شب به خوردن و رامش و آسایش کردن بگذرد. این قانون ایرانی بوده در مورد رامش کردن یا آرامش پیدا کردن. رامشگر یعنی کسی که آرامش ایجاد می کند. ترکیبی مانند زرگر یا دروگر یا مسگر که الان استفاده می کنیم. می بینیم که هر جانا م رامشگران می آید. ترکیب سازهایشان و شکل لباس هایشان هم می آید. سازهایی مانند بربط، چنگ، نای، دف و ... را اسم می برد. ولی هیچ وقت از کرنا و این ها اسم نمی برد چون کارکرد این ها مربوط به میدان جنگ بوده است.

● نقاره زنی، آیینی موسیقایی از ایران باستان

● آیین هایی که ایرانی ها در آن از موسیقی استفاده می کردند متفاوت بود. یک سری از این آیین ها

تقویمی بود. مثلا دولت برای اینکه حساب ماه در دست مردم باشد، موظف کرده بود سر هر ماه کرنا و کوس بزنند که فردوسی به این نکته هم اشاره می کند. نمونه هایی از رسم های بر دروازه ها

نواختن داشتیم که چون چهره های موسیقی در ایران پس از اسلام دگرگون می شود، فقط بخش حکومتی اش به عنوان مذهبی در حرم امام رضا^(ع) باقی مانده که آن هم نواختن نقاره هار مناره است. دم غروب یا دم سحر، فردوسی می گوید آن زمان ۵ نوبت در شهرها طبل می نواختند و طبل آخری طبل فرق بوده که یعنی کسی نباید

● ساخت موسیقی براساس شاهنامه اصلا ساده نیست

فردوسی وظیفه اش این بوده که به ما بگوید ما این سازها و این فرهنگ را داشته ایم و باید این را نگهش داریم. برخی موسیقی دان ها و بعضی از گروه های سنتی موسیقی ما هم تلاش کرده اند با شاهنامه انس پیدا کنند و روایتی از شاهنامه را موسیقایی کنند، ولی چندان موفقیتی به دست نیآورده اند

● دوتار نوازانی که در خراسان شاهنامه را درست نقل می کردند دیگر در این دنیا نیستند

تنها اتفاقی که در جامعه موسیقی ما پس از سرودن شاهنامه می افتد، در کسانی است که ریشه های خنیاگری را از گذشته داشته اند. مانند بخشی ها در شمال خراسان و دسته ای دیگر در جنوب خراسان که این ها شاهنامه را با دوتار بیان می کردند. مثلا نظرمحمد سلیمانی کسی بود که شاهنامه خوانی با دوتار را انجام داده است. در شهرهای مختلف خراسان مانند نیشابور، کاشمر،

اخبار
هنری
مشهد

داوران رویداد سیمرغ معرفی شدند



اسامی داوران بخش های نقالی، شاهنامه خوانی، ضرب و زنگ و حماسه های معاصر در نخستین رویداد سیمرغ اعلام شد. به گزارش شهرآرا، هوشنگ جاوید، محسن میرزاعلی، علی قهرمان و دکتر محمد اسکندری نژاد، داوری آثار راه یافته به این دوره از رویداد را در شهر مشهد بر عهده خواهند داشت. گفتنی است این رویداد با حضور بیش از ۳۰ شرکت کننده از نقاط مختلف کشور، از تاریخ ۲۹ تا ۳۰ اردیبهشت ماه، در مجموعه تاریخی خانه داروغه واقع در مشهد برگزار می شود. فرآیند داوری همه روزه از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۲۰:۳۰ انجام خواهد شد.

مستند «شنا در غم» به زودی منتشر خواهد شد



مستند «شنا در غم»، هفت روایت از یازماندگان حادثه مدرسه شجره طیبه میناب به زودی منتشر خواهد شد. به گزارش شهرآرا، در مستند «شنا در غم» برخی از خانواده ها و یازماندگان حمله به مدرسه شجره طیبه میناب از این حادثه می گویند. همچنین در این مستند روایت هایی تازه از روز حمله و خاکسپاری شهدا مطرح شده است. «شنا در غم» را که محصول معاونت رسانه های نوین مؤسسه فرهنگی شهرآراست، سلمان نطفات یزدی کارگردانی کرده و تدوین آن را فرید اصغریان انجام داده است. محمدرضا فتایی، محمدحسن صلواتی و حسن نیکنام از دیگر عوامل تولید این مستند ۲۳ دقیقه ای هستند.

اعلام اسامی ایده های راه یافته به جشنواره ملی رضوی



اسامی ۲۱ ایده راه یافته به شانزدهمین جشنواره ملی رضوی از سوی هیئت انتخاب و داوری بخش طرح و فیلمنامه این رویداد، اعلام شد و سه اثر «بی خوابی» و «شکار» از مهدی سرگل زایی و «بوره» از بهجت دادوی از مشهد به این رویداد راه یافت. به گزارش شهرآرا، علیرضا رضادا، فرهاد توحیدی و حسین مهکام هیئت انتخاب و داوری بخش طرح و فیلمنامه جشنواره ملی فیلم کوتاه رضوی بودند. فراخوان شانزدهمین جشنواره ملی فیلم کوتاه رضوی دی سال گذشته به دبیری بهروز شعیبی که در سال جاری برگزار خواهد شد، نگاهی معطوف بر هویت دینی ملی ساکنان ایران زمین، به منظور ارج نهادن و بزرگداشت فرهنگ غنی ایرانی اسلامی و جایگاه ویژه امام رضا^(ع) در نزد ایرانیان و شیعیان، برای تولید فیلم کوتاه هنری ارزشمند، منتشر شد.

هنرگرام

استوری جدید «مهران غفوریان» در جوار امام رضا^(ع)



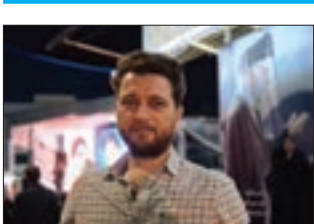
مهران غفوریان در اینستاگرام خود استوری جدیدی منتشر کرد. این بازیگر سینما و تلویزیون در اینستاگرام خود نوشت: یا امام رضا^(ع) کشور زیبای خودمان، وطن عزیزمان را به تو می سپارم، می دلم که

مراقب کشورمان هستی. از سر دشمنان و بدخواهان دورمان کن و حيله و مكرشان را به خودشان برگردان.

ایستگاه
هنر

خواننده مشه‌دی:

حضور در صحنه، شرط شنیده شدن حرف است



مریم دهقان|قطعه «ایران بخوان» با صدای اتابک نژادباقر، خواننده مشه‌دی، منتشر شد. اتابک نژادباقر در گفت وگو با شهرآرآنویز درباره این اثر گفت: این قطعه کاری از مهدی اسکندری است.

این قطعه در دستگاه اصفهان تولید شده است و فرم و ریتم آن برگرفته از ریتم های ایرانی است که یک جدیت و در عین حال حزنی در اثر دیده می شود. همچنین آقای هاجربور، کمانچه و رضا یوسفی تار و بنده هم سه تار نوازی و خوانندگی این کار را به عهده داشتیم. این خواننده مشه‌دی درباره خاطره حضورش در تجمعات و اجرای خود در میان مردم گفت: فکر می کنم روز ششم یا هفتم بود. خیلی حالم گرفته بود، راستش ناامید بودم. در میدان تقی آباد از مترو پیاده شدم، آمدم روی سطح خیابان و وقتی شور و حال مردم را دیدم خیلی برایم غرورآفرین بود و از آن شب به بعد با خودم گفتم من هم کاری باید انجام بدم. وی در پاسخ به سؤالی درباره لزوم حضور هنرمندان در اجتماعات مردمی و همراهی آن ها با مردم بیان کرد: همه هنرمندان باید احساس وظیفه کنند. حتی اگر در جایگاه معترض نسبت به فضای حاکمیت هستند و نکاتی نسبت به وضعیت مدیریتی دارند، اما مسئله این است که اگر بخواهیم صحبت کنیم و حرفمان شنیده شود، اول باید حضور داشته باشیم تا بتوانیم صحبت کنیم. حضور باعث می شود که کلام تو شنیده بشود.

وی درباره استقبال مردمی و دیده شدن کارها بیان کرد: نزدیک به ۸۰ شب از ۳ اسفند این ماجرا شروع شده، نزدیک سه ماه است. هر کسی خسته می شود، اما شفع اینجاست که حتی افراد ضد انقلاب هم اگر بیایند ببینند، برایشان باورنکردنی است. کسی که از بیرون نگاه می کند شاید بدبیدر این جمعیت یکی دو شب دوام بیاورد، اما وقتی می آیی و با آن ها هم نفس می شوی، می بینی چشمشان فقط به آینده است و با امید به پیروزی پا در میدان خیابان گذاشته اند.